



همراه بانو دینداران تفسیر

پای صحبت حجت الاسلام دکتر محمد رضایی اصفهانی، قرآن پژوه

دکتر علی نجار پوریان

قم و اصفهان تدریس کردم و اخیراً هم در دانشگاه رضوی مشهد درس می‌دهم.
عضو هیئت علمی «جامعه المصطفی قم» هستم که یک دانشکده علوم قرآن و حدیث است با حدود ۵۰۰ طلبه از دانشجویان خارجی و ایرانی دارد. اخیراً علوم قرآنی از رشته‌های جامعه المصطفی از علوم قرآن و حدیث جدا شده و علوم قرآن هم یک رشته مجزا شده است. آموزش حدیث هم خیلی تخصصی شده است. یعنی الان ۱۶ رشته و گرایش تخصصی داریم که از جمله آن‌ها رشته تفسیر تطبیقی است. اخیراً این رشته در دانشگاه‌های دیگر هم مورد قبول واقع شده است؛ مثل دانشگاه قم و مشهد.

حجت الاسلام دکتر محمد رضایی اصفهانی از نگاه خود در سال ۱۳۴۱ در اصفهان متولد شدم. دوران کودکی را در اصفهان بودیم. بعد از دیپلم به حوزه رفتیم و درس خواندم. در سال ۱۳۶۸ به قم رفتم و به تحصیل در حوزه مشغول شدم. استادان برجسته‌ای داشتم؛ از جمله مرحوم آیت‌الله امامی، آیت‌الله مهدوی کنی، آیت‌الله بهجت و آیت‌الله فاضل لنکرانی. به‌ویژه قرآن را در محضر آیت‌الله معرفت درک کردم و بیش از ده سال در خدمت ایشان بودم. در کنار درس‌های حوزوی، درس‌های دانشگاهی را هم شروع کردم. در سال ۱۳۷۵ در دانشگاه قبول شدم. حدود ده سال سطح چهار فقه را دنبال کردم.
بنده از سال ۱۳۶۲ تدریس را شروع کردم. حدود ۲۸ سال در

یکی از افتخارات جامعه المصطفی این است که در ده گرایش علوم و فنون قرآنی را ارائه می‌دهد که عبارت‌اند از: قرآن و اقتصاد، قرآن و حقوق، قرآن و جامعه‌شناسی، قرآن و نجوم، قرآن و روان‌شناسی، قرآن و تاریخ، قرآن و سیاست و غیره. به این ترتیب ما توانسته‌ایم فضای جدیدی در سطح کشور ایجاد کنیم.

جامعه المصطفی یک بخش مجازی هم برای ایرانیان در سطح کارشناسی با عنوان علوم قرآن به زبان عربی و اردو دارد. دوره کارشناسی ارشد به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی از سال آینده شروع می‌شود. بنابراین اگر کسی بخواهد علوم قرآن و حدیث را مجازی بگذراند، می‌تواند به دانشگاه مجازی المصطفی مراجعه کند. ۶۲ جلد کتاب، ۱۰ مقاله تخصصی و ۱۰ مقاله عمومی داریم. از میان این ۶۲ جلد کتاب، مهم‌ترینشان «تفسیر قرآن مهر» است که به دو صورت ۲ جلدی و ۱۰ جلدی چاپ شده و مخاطبش هم جوان است. یعنی تفسیری است که برای مخاطب جوان و خیلی پویا به زبان روز نوشته شده است. آیت‌الله معرفت کل تفسیر را خواند و پیام آیات را به‌دست آورد. دومین اثر مهم بنده که ذیل همین تفسیر قرآن مهر قرار می‌گیرد، ترجمه قرآن کریم است. آخرین کتابیم هم خلاصه تفسیر قرآن مجید است.

● خلاصه تفسیر قرآن مجید آخرین اثر شماست. از خصوصیات آن بفرمایید.

○ خلاصه‌ای است از تفسیر قرآن مهر. ما کل قرآن را در این ۱۲۰۰ صفحه آورده‌ایم. کل تفسیر را خودم تألیف کرده‌ام و الان هر آیه را باز کنید، می‌توانید تفسیر و پیام‌های آن را به‌صورت خلاصه ببینید. به علاوه، این کتاب طوری نوشته شده که برای حافظان قرآن خیلی خوب است.

● یکی از آثار شما پژوهشی در اعجاز علمی قرآن است این مورد را هم توضیح دهید

○ بله، اعجاز علمی قرآن پایان‌نامه دکترای من بوده و در آن حدود ۳۰۰ آیه را بررسی کرده‌ام. در این کتاب دو جلدی زمینه پزشکی آیات قرآن و حتی بحث اعجاز ریاضی را مطرح کرده‌ام. این کتاب بارها تجدید چاپ شده است.

● «اعجاز علمی قرآن» کتاب سال حوزه هم شد. اثر دیگر شما «منطق تفسیر» است. درباره آن هم توضیح دهید.

○ منطق تفسیر قرآن چهار جلدی است: جلد اولش قوانین و قواعد تفسیر، جلد دومش روش‌ها و گرایش‌های تفسیری و جلد سومش مباحث مربوط به روش تحقیق در علوم قرآنی است که برای اولین بار به‌صورت تخصصی مطرح شده است. جلد چهارم هم - که الان زیر چاپ است - به مباحث جدید دانش تفسیر، یعنی هرمنوتیک قرآن کریم و زبان قرآن می‌پردازد. این کتاب به‌صورت درسی تهیه شده و طوری است که دانشجویان می‌توانند از آن استفاده کنند. اخیراً خلاصه این سه جلد هم آماده شده و زیر چاپ است که در سطوح پایین‌تر مثل دوره کارشناسی قابل تدریس است. انتشارات جامعه المصطفی آن را چاپ کرده است. کار دیگری که کردیم این بود که مبانی ترجمه، قواعد ترجمه، روش‌های ترجمه و تاریخ ترجمه را گردآوری کردیم و به‌صورت یک کتاب درسی درآوردیم و جامعه المصطفی آن را چاپ کرد. این کتاب هم اخیراً خلاصه و به‌صورت یک کتاب مستقل چاپ شد که در سطوح پایین‌تر مورد استقبال واقع شده است. در حوزه هم آن را تشویق کردند و کتاب سال حوزه شد. جا داشت که ما ضوابط و قواعدی را که در مورد ترجمه قرآن به جامعه علمی

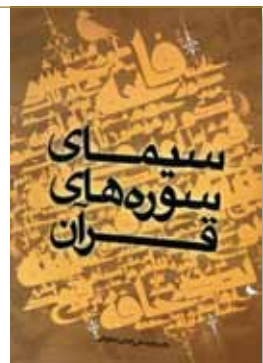
عرضه می‌کردیم، در کلاس‌های خودمان تدریس کنیم. این کارهایی بود که در این فضا انجام شد.

● برای جوانان و نوجوانان چه آثاری دارید؟ از دیدگاه شما، با چه راهکارهایی می‌توان جذابیت‌های قرآن کریم را به جوانان نشان داد؟

○ ما با دوستان در سال ۱۳۸۴ مرکز

ترجمه دوستان ما هم ترجمه جمله به جمله است. این ترجمه که حدود ده هزار ساعت وقت برد، به‌صورت ابتکاری انجام شد. استاد شیرافکن بحث‌های ادبی آن را مطرح کردند و بنده مباحث تفسیری را. یکی دیگر از دوستان هم ترجمه‌های معاصر

را می‌دید



قرآن پژوهی قرآن کریم را با مجوزی که از وزارت علوم گرفتیم، با دو گروه علمی «قرآن و علم» و «قرآن و مستشرقان» تأسیس کردیم. یکی از کارهایی را که در این مرکز انجام شد، برایتان شرح می‌دهم. ما پرسش‌های دانشجویان و دانش‌آموزان دبیرستانی را از سراسر کشور، هم از طریق سایت و هم از طریق پرسش و پاسخ‌هایی به صورت نامه و مانند آن گردآوری کردیم و بعد از آن به لطف الهی به آن‌ها پاسخ دادیم. به این ترتیب که به ۳۰ نفر از محققان که با ما در ارتباط‌اند و فارغ‌التحصیلان حوزه و دانشگاه هستند، سؤال را می‌دادیم. آن‌ها جواب می‌دادند. بعد پاسخ‌ها ارزیابی و اشکالاتشان برطرف می‌شد. در نهایت، آن‌ها دسته‌بندی و موضوع‌بندی شدند و به صورت کتاب درآمدند؛ هم به صورت کتاب و هم به صورت سی‌دی.

کتاب پرسش و پاسخ‌های مرکز تحقیقات ما تا به حال ۱۶ بار چاپ شده است. بعضی از جلد‌هایش مباحث بسیار جالبی دارند. حدود پنج جلد آن به مباحث اعتقادی، حدود پنج جلدش به مبحث «قرآن و علم»، حدود دو جلد آن به مباحث مربوط به پیامبر اکرم (ص)، دو جلدش به مباحث مربوط به مهدویت، دو جلدش به روابط دختر و پسر و پرسش‌هایی که در این زمینه دارند، و... به لطف الهی، هفت جلد دیگر از این اثر هم در حال آماده‌سازی است که بیشتر به شبهات قرآنی می‌پردازند؛ شبهات جدیدی که در سایت‌ها و محافل ضدقرآنی مطرح شده، دسته‌بندی شده و در قالب یک مجموعه ۲۳ جلدی زیر چاپ است. این مجموعه را مرکز

کامپیوتر علوم اسلامی آن را به صورت سی‌دی منتشر کرده است. به صورت کتاب هم به چاپ رسیده است.

این کتاب می‌تواند برای جوانانی که مباحث قرآنی را دوست دارند و پرسش‌هایی در این حوزه دارند، منبع خوبی باشد. سی‌دی پرسش و پاسخ‌ها قابل جست‌وجوست. کلیدواژه را که بزنی، به راحتی

می‌توانی پرسش و پاسخ‌ها را پیدا کنی. کتاب‌هایش هم به صورت جذابی چاپ شده‌اند و برای نسل جوان قابل استفاده هستند. الحمدلله این مجموعه مورد استقبال واقع شده است و بعضی از جلد‌هایش بارها چاپ شده‌اند. به لطف الهی یکی دیگر از کارهایی که دوستان در مرکز قرآنی شروع کردند، این بود که به منظور پر کردن خلأهای موجود از میان رشته‌های علوم قرآنی، مجله‌ای با عنوان «قرآن و علم» منتشر می‌کنند.

در این مجله ما بیشتر به مباحث میان‌رشته‌ای توجه داریم. یعنی مقالاتی را در حوزه تفسیر تربیتی، تفسیر مدیریتی و تفسیر حقوقی قرآن بررسی می‌کنیم. سه شماره اخیر آن هم درباره اعجاز است. این مجله اعجاز‌های علمی قرآن را به ویژه در حوزه علوم انسانی برای اولین بار در ایران مطرح کرد؛ یعنی اعجاز اقتصادی قرآن، اعجاز مدیریت قرآن و اعجاز تربیتی قرآن. البته اعجاز‌های قرآن را عرب‌ها به صورت کتاب درآورده‌اند، منتها اعجاز تربیتی قرآن برای اولین بار مطرح شد. اعجاز قرآن در حوزه‌های علوم طبیعی مثل پزشکی، زیست‌شناسی و امثال آن هم مطرح شده‌اند.

مجله دوم مجله‌ای است با عنوان «قرآن و مستشرقان». در این زمینه در ایران خلأ جدی وجود داشت. چون درباره مباحث قرآن و مستشرقان، یعنی مطالعاتی که غربی‌ها روی قرآن داشتند و سؤالاتی که در این زمینه مطرح کرده بودند، پراکنده کارهایی شده بود اما یک مجله تخصصی در این زمینه وجود نداشت. اول ما

خط قرآن یک خط توحیدی نیست که نوشته خدا، پیغمبر و امام باشد. این خط را باید ساده و حروفش را خوانا کنیم. اگر خط را فارسی کنیم، دانش‌آموز دوره ابتدایی هم از همان سال دوم قرآن را می‌خواند. چه لزومی دارد که ما از خط عربی استفاده کنیم؟ ما می‌توانیم از همان رسم الخط فارسی استفاده کنیم و حتی حروف ناخوانا را رنگی چاپ کنیم



ترجمه و چاپ می‌شود. تا به حال دو شماره آن در پاکستان منتشر شده است. اخیراً پیشنهاد شد که آن را به عربی هم ترجمه کنیم و دو شماره آن را به عربی ترجمه کردیم. در حال رایزنی هستیم و ممکن است آن را در لبنان، عراق یا حتی در مصر چاپ کنیم. بنابراین، این مجله عملاً یک مجله بین‌المللی شده است.

به لطف الهی نسبت به این دو مجله واکنش‌هایی خوب نشان داده شده است. مثلاً در آلمان مقالاتی چاپ شد و مطالب این دو مجله را نقد کردند. هر کدام هم سایتهای دارد به اسم مجله به چهار زبان فارسی، عربی، انگلیسی و اردو.

این مزده را هم بدهم که این دو مجله بدون هیچ هزینه‌ای کاملاً قابل‌دانلود هستند. هر کسی مقاله‌ای داشته باشد، می‌تواند برایمان بفرستد تا ارزیابی کنیم و در صورت تأیید چاپ می‌شود. این مجله‌ها، مخصوصاً مجله قرآن و علم، به درد بسیاری از معلمین ما می‌خورد.

یکی دیگر از کارهایی که به لطف الهی انجام شد، این بود که برخی از آثار این مرکز تا به حال به هشت زبان رایج دنیا ترجمه شده است. مثلاً چند شب پیش ایمیلی برای ما از مکزیک آمد که کتاب پژوهشی در اعجاز علمی قرآن آن‌جا به زبان روسی ترجمه و ویرایش شده و به چاپخانه رفته است. بعضی از کتاب‌هایمان در لبنان چاپ شده‌اند؛ مثل همین «منطق تفسیر ۲». کتاب «روش‌ها و گرایش‌های تفسیری در ایران» به عربی چاپ شد، در لبنان هم مستقلاً به چاپ رسید و در چند کشور عربی هم مورد توجه قرار گرفته است. بعضی از کتاب‌ها به زبان آذری در آذربایجان چاپ شده‌اند.

بعضی از کتاب‌ها به زبان هندی ترجمه و چاپ شده‌اند. بنده کتابی درباره عاشورا دارم و در آن آموزه‌های تربیتی عاشورا را بیان کرده‌ام که به زبان هندی و بنگالی ترجمه و چاپ شده است. برخی از کتاب‌هایمان هم به زبان انگلیسی ترجمه و چاپ شده‌اند.

کار دیگری که ما انجام دادیم، تشکیل «انجمن قرآن پژوهی» بود که در سال ۱۳۸۱ با عده‌ای از دوستان و دکتر نصیری آن را پایه‌گذاری کردیم. بنده مدیریت آن را برای دو دوره برعهده داشتیم و الان عضو هیئت مدیره انجمن هستیم.

● یکی از کارهای بسیار قابل توجه شما ترجمه گروهی قرآن است. در واقع شاید بشود گفت که برای اولین بار ترجمه گروهی قرآن در کشور انجام گرفت. قبل از بیان خصوصیات این ترجمه، بفرمایید انگیزه شما برای این کار چه بود. از نظر شما ترجمه‌های معاصر چه آسیب‌ها و چه کاستی‌هایی داشتند که شما در ترجمه گروهی، آن آسیب‌ها و کاستی‌ها را رفع کردید؟ اساساً شرایط استاندارد ترجمه قرآن چیست؟

○ ترجمه قرآن به زبان فارسی سابقه‌ای طولانی دارد؛ یعنی اگر مثلاً

ترجمه «تفسیر طبری» را در نظر بگیریم، نزدیک به هزار سال از ترجمه قرآن به زبان فارسی می‌گذرد. در این هزار سال نزدیک به ۱۸۰ ترجمه قرآن به فارسی انجام شده است ولی متأسفانه بیش از ۹۰ ترجمه را به دست نیاورده‌ایم. البته نام و مشخصات آن ۱۸۰ ترجمه را جمع‌آوری کرده‌ایم. جالب این‌که بیشتر ترجمه‌ها در سال‌های بعد از انقلاب انجام شده است.

● **حدوداً چند ترجمه بعد از انقلاب اسلامی انجام شده است؟**
○ اگر اشتباه نکنم، دست کم حدود ۴۰ ترجمه بعد از انقلاب صورت گرفته است. بین ۴۰ تا ۵۰ ترجمه. فهرست آن‌ها را داریم. هر ترجمه هم روش خاص خود را دارد. البته این را هم عرض کنم که همه این ترجمه‌ها قابل احترام هستند و مترجمان آن‌ها زحمات قابل‌تحمینی کشیده‌اند. منتها روش‌ها متفاوت است. یکی به ترجمه آزاد دست زده و دیگری از تفسیر آزاد بهره گرفته است. گاهی یک خط قرآن را سه خط ترجمه کرده‌اند و گاهی ترجمه به صورت کلمه به کلمه و تحت‌اللفظی است؛ مثل ترجمه آقای آیتی. بعضی از ترجمه‌ها جمله به جمله‌اند؛ مثل کتاب آقای خرماشاهی.

ترجمه دوستان ما هم ترجمه جمله به جمله است. این ترجمه که حدود ده هزار ساعت وقت برد، به صورت ابتکاری انجام شد. استاد شیرافکن بحث‌های ادبی آن را مطرح کردند و بنده مباحث تفسیری را. یکی دیگر از دوستان هم ترجمه‌های معاصر را می‌دید. یکی از نکات کار ما، بحث تکرارها و واژه‌های مشابه در قرآن بود.

ما سعی کردیم در کل قرآن ترجمه واژه‌ها یکسان باشد. مثلاً اگر «رحمن» و «رحیم» در قرآن ۱۰۰ بار تکرار شده است، سعی کردیم همه را یکسان ترجمه کنیم. در گروه ما آقای امینی مسئول این کار بود و واژه‌های معاصر و واژه‌های مشابه را یکسان‌سازی می‌کرد. ویرایش کتاب اول را «دارالعلم» چاپ کرد. برای ویرایش دوم اشکالاتی را که گرفته و نکاتی را که فرموده بودند، اصلاح و اعمال کردیم. ویرایش دوم را «جامعه‌المصطفی» چاپ کرد.

یک نکته جالب این است که ما سعی کردیم کل مطالب قرآن را ترجمه کنیم؛ حتی حروفش را. مثلاً «ان» را که مثلاً ۱۲ معادل در فارسی دارد و تاکنون «حتماً، به یقین، واقعاً، به درستی، به راستی و...» ترجمه شده است، ما سعی کردیم همه‌جا یکسان ترجمه کنیم. توجه داشتیم که هیچ‌جا کلمه «ان»، «واو» یا حرف «باء» از دستمان در نرود. ۴۹ مورد را نشد ترجمه کنیم و نوشتیم که این موارد را نتوانسته‌ایم ترجمه کنیم. مثلاً در «قل هو الله احد»، «هو» را نشد به فارسی ترجمه کنیم. اگر ترجمه می‌کردیم، از بین می‌رفت. در آخر ترجمه هم این موارد آمد. این کاری است که در هیچ ترجمه دیگری نشده است.

امسا تفاوت مهم این ترجمه با ترجمه‌های گذشته این بود که ترجمه‌های گذشته تک‌نفره کار شده است. در حالی که به خاطر محدود بودن ظرفیت بشری، ما می‌آییم به لغتش توجه

کنیم، از ادبیاتش می‌مانیم. به ادبیاتش توجه می‌کنیم، تفسیرش را فراموش می‌کنیم.

ما چون جلسه را جمعاً اداره می‌کردیم، این نقص برطرف می‌شد. برای این ترجمه تقریباً پنج سال هر روز جلسه داشتیم و چون رادیو قرآن هر صبح از روی این ترجمه و تفسیرش می‌خواند، ما ناچار بودیم خودمان را برسانیم و نمی‌توانستیم تعطیل کنیم. نتیجه جلسه را من می‌نوشتم و لذا نگارش از من بود، ولی کار به صورت جمعی انجام شد. ان شاء الله خداوند بپذیرد. آیات الله معرفت - که خدا رحمتش کند - در بعضی از جلسات شرکت می‌کردند و کار بر ترجمه را بررسی می‌کردند. این امتیازی است که ترجمه‌های دیگر ندارند.

یک نکته دیگر اینکه ما سعی می‌کردیم مبانی خودمان را از اول تعریف کنیم. بعضی مترجمان آیات احکام را براساس مذهب شافعی ترجمه می‌کنند، منتها نمی‌نویسند که ما براساس شافعی ترجمه کرده‌ایم. ما از اول این‌ها را نوشتیم. دیگر این که هر جا بین مفسران اختلاف وجود داشت، قول مشهور مفسران را گرفتیم. اگر

در جایی دو قول درست بود، یکی را در ترجمه آوردیم و دیگری را داخل پرانتز آوردیم و توضیح دادیم. این هم ویژگی دیگر کار ما بود. کوشیدیم سلامت و روانی در ترجمه حفظ شود.

یکی از اشکالات ترجمه‌های قبلی، همین ناهمگونی کلمات مشابه بود که شما اشاره فرمودید و ما سعی کردیم این نقیصه را برطرف کنیم. یادم نمی‌رود که آقای خرمشاهی نقدی بر این ترجمه در مجله «ترجمان وحی» نوشت. البته ایشان خیلی اظهار لطف کرده بود

و ما هم تشکر می‌کنیم. منتها وقتی رسیده بود به آیه ۷ سوره آل عمران «راسخون در علم» که از آیات مشکل است، در نقدش نوشته بود: دوستان دست مریزاد که چه قدر زیبا ترجمه کرده‌اید. ما راسخون در علم را «ترف‌اندیشان» ترجمه کرده‌ایم.

در ترجمه‌های گذشته گاهی لغت عربی را ریشه‌یابی نمی‌کردند و به همین کلمه فارسی اکتفا می‌کردند. مثل واژه «طوفان» را در بعضی از ترجمه‌ها همان طوفان ترجمه کرده‌اند. در حالی که معنی کلمه طوفان در عربی با معنای فارسی‌اش فرق می‌کند. در فارسی طوفان یعنی باد طوفان، ولی در عربی یعنی سیلاب، نه گردباد. طوفان نوح یعنی سیلاب نوح. ما مثلاً یکی از کارهایی که به لطف الهی انجام دادیم این بود که این واژه را همان طور که بود معنی کردیم یا مثلاً «رشید» را بعضی از آقایان در ترکیب «رجل رشید»

همان رشید معنا

کرده‌اند؛ در حالی که معنی رشید در

فارسی با معنی عربی آن فرق می‌کند. رشید

در فارسی به معنای بلندقامت و بلندهمت است،

اما در عربی این واژه از رشد می‌آید. «قد تبین الرشید من

الغی». «رشید» در برابر «غی» و به معنی هدایت یافته. وقتی

می‌گوییم «رجل رشید»، یعنی مرد هدایت یافته.

همچنین، در ترجمه آیات علمی و آیات الاحکام سعی کردیم نقص‌های ترجمه‌های قبلی را نداشته باشیم. مثلاً بحث «طفه علقه»، «طفه مخلقه» و «طفه غیر مخلقه» را سعی کردیم با توجه به تخصص‌هایی که دوستان عضو گروه داشتند، دقیق ترجمه کنیم. آیات پزشکی را با توجه به نکات پزشکی و آیات حقوقی را با توجه به نکات حقوقی و فقهی ترجمه کردیم.

همان طور که شما اشاره کردید، مترجم قرآن باید شرایط خاصی داشته باشد. از جمله باید علوم را بداند و مفسر باشد. چون ترجمه هم علم است و هم فن و هنر، مترجم هم باید تا حدودی هنرمند و اهل فن باشد. یعنی تمرین کرده باشد، چون فن تمرین

می‌خواهد. از آن طرف، دانش‌های لازم را هم باید داشته باشد. گاهی بعضی از ترجمه‌ها، بعضی از این ابعاد را ندارند. مثلاً یکی از مترجمان قرآن، چون با مباحث تفسیر ارتباط کامل برقرار نکرده بود، گاهی لغزش‌های تفسیری داشت. ما سعی کردیم که این نقص را نداشته باشیم.

● آقای دکتر، ترجمه به هر حال با مشکلاتی مواجه است. مثلاً در بعضی از ترجمه‌ها معادل‌یابی نامناسب است و ترجمه اشکال پیدا می‌کند. در چنین مواردی رویکرد شما چیست؟

○ بنده از سال ۱۳۷۶ تدریس درس ترجمه را شروع کردم، به مقایسه ترجمه‌ها دست زدم تا لغزش‌ها تکرار نشوند. از طرف دیگر، در همان سال‌ها آقای شریف‌زاده پیشنهاد کرد که ترجمه مختصری از قرآن ارائه کنیم. این کار به لطف الهی انجام گرفت که حاصلش شد کتابی حاوی منطق ترجمه، قواعد ترجمه و آسیب‌های ترجمه. حتی آسیب‌های ترجمه مستشرقین را هم بررسی کردیم و سعی کردیم آسیب‌ها و اشتباه‌های دیگران را برطرف کنیم.

● آقای دکتر، نسبت به رعایت احترامات خاص قرآن بفرمایید.

○ در مواردی که لازم بوده است، هم از پرانتز استفاده کرده‌ایم هم از کروشه. جاهایی که مطلبی در دل آیه نهفته بوده است،

دانش‌آموزان را ببرسیم.
مثلاً کلمه «فی‌الجملة» یعنی چه؟ الان این کلمه در حوزه و بین طلبه‌ها یا بین اهل علم خیلی رایج است. اما آیا مخاطب جوان، یک کاسب یا کارگر یا حتی دانشجو می‌داند فی‌الجملة یعنی چه؟ خیلی‌ها متوجه نمی‌شوند. می‌خواهم عرض کنم حتی گاهی کار به جایی می‌کشید که می‌رفتیم از دو جوان می‌پرسیدیم ببینیم معنی لغت را می‌فهمند یا متوجه نمی‌شوند. یعنی می‌خواستیم ترجمه با نسل معیار مطابق باشد.

من دیدم یکی از مترجمان جمله «نخوض مع الخائضین» را ترجمه کرده بود: «با ژاژخایان ژاژخایی می‌کردی.» خب واقعاً مخاطب امروزی چند درصد این ترجمه را می‌فهمد؟ در حالی که این جمله خیلی ادیبانه است، مخاطب متوجه نمی‌شود. از آن طرف، دیگری ترجمه می‌کند: «با اهل باطل به باطل می‌گردید!» اگر می‌گفت: «با بیکاره‌ها بیکاره می‌گشتی» بهتر بود که نخوض مع الخائضین یعنی ما با آدم‌های بیکاره، بیکار می‌گشتیم. روز قیامت از آدم‌ها می‌پرسند که: چرا جهنمی شدید؟ می‌گویند: روز قیامت را تکفیر می‌کردیم و دروغ می‌انگاشتیم. بعد هم مثلاً نماز نمی‌خواندیم، به بی‌نویان کمک نمی‌کردیم و بیکاره می‌گشتیم. خب این جمله را مخاطب من می‌فهمد. این بهتر است تا این که بگوییم: با ژاژخایان ژاژخایی می‌کردید.

● **مخاطبان ما فرهنگیان هستند. حضرت‌عالی چه پیشنهادی برای آن‌ها دارید تا توجه بیشتری به قرآن داشته باشیم؟**

○ کار معلمان کار پرزحمتی است. خداوند پیغمبرش را معلم خطاب می‌کند و همه ما هم مدیون معلمان نسل گذشته هستیم. ممکن است در جایگاهی نباشیم که بتوانیم به معلمان توصیه‌ای بکنیم اما حالا

آن را درون کروشه بیان کرده‌ایم. مثلاً فرض کنید آن‌جا که گفته است: «و نزدیک کارهای زشت نشوید»، کلمه کار در خود لغت نیست. آن را در کروشه آورده‌ایم یا «فواحش» در آیه هست، اما خود کلمه فاحشه نیست، گرچه از مضمون آیه به دست می‌آید. این را در کروشه ذیل آیه آورده‌ایم. اضافه و توضیح تفسیری را هم در پرانتز قرار داده‌ایم. مثال دیگری بزنم. در آیه ۶ سوره مائده داریم: «ان کنتم جنباً و ان کنتم مرضی او علی سفر او جاء احدکم من الغائط...» یعنی اگر شما مریضید یا در سفرید یا یکی از شما از «غائط» آمده‌اید، باید طهارت کنید. غائط یعنی محل پرت، اما اگر ما این‌جا «من الغائط» را «مکان پرت» ترجمه کنیم، مخاطب متوجه نمی‌شود. قرآن ادب در گفتار دارد؛ منتها ما اگر آن را همان‌طور که هست ترجمه کنیم، نامفهوم می‌شود. پس آمدیم و یک پرانتز باز کردیم و نوشتیم: «... مکان پرت (دست‌شویی)...» امروزه مخاطب متوجه می‌شود. لفظ دست‌شویی در ترجمه نیست، ولی نه می‌شود لغت قدیمی را در این زمینه به کار برد و نه خود لغتی را که آمده است. پس باید (...) آورد.

یا مثلاً واژه «زکات» را در کل قرآن بعضی‌ها ترجمه می‌کنند. می‌نویسند: زکات مال خود را بدهید. «اتوالزکاة»: زکات بپردازید. البته مخاطبان عموم مردم‌اند و ممکن است اصطلاح شرعی را ندانند. ما در پرانتز آوردیم: «مالیات زکات را بدهید». زکات یعنی مالیات اسلامی. یعنی لغت را به روز کردیم. در این ترجمه از این‌گونه کارها زیاد انجام داده‌ایم. ما گاهی در گروه باهم اختلاف پیدا می‌کردیم که این لغت امروزی هست یا نیست. مخاطبان ما می‌فهمند یا نه؟ گاهی یکی می‌گفت

این لغت قمی است، حوزوی است. مخاطب عام من نمی‌فهمد، مخاطب جوان من نمی‌فهمد. ناچار به دبیرستان نزدیک محل جلسات می‌رفتیم تا نظر

یکی از مشکلات این است که ما از همان ترجمه‌هایی که برای بازاریان استفاده می‌کنیم، برای کارمندان، نظامیان و متخصصان پزشکی هم استفاده می‌کنیم. همان ترجمه را در دبیرستان هم می‌خوانیم در صورتی که هر گروه صنفی و تخصصی ترجمه مخصوص خود را می‌خواهد



که شما می‌فرمایید، تجربیاتم را عرض می‌کنم. در مورد بحث قرآن در مدارس من فکر می‌کنم چند نکته اساسی را باید رعایت کرد. خب ما بحث‌های ظاهری قرآن، حفظ و ترجمه و قرائت را انجام می‌دهیم، اما این ۳۰ درصد کار است. باید توجه داشته باشیم که قرآن فقط برای حفظ و قرائت نازل نشده، بلکه برای فهم و تدبر نازل شده است. خداوند فرموده است، ما قرآن را نازل کردیم که تدبر کنید. پس مواظب باشیم که در مقدمات نماییم و اصل را هم از دست بدهیم.

نکته دیگر این که باید محتوای قرآن را به دانش‌آموزانمان بچشانیم. به عبارت دیگر، ما باید دست دانش‌آموزان را در دست قرآن بگذاریم تا راه بیفتند. آیت‌الله معرفت فرمودند: هر آیه‌ای را که می‌خوانیم، باید هدف آن را به دست بیاوریم. نکات زمانی و مکانی‌اش را کنار بگذاریم و پیام کلی آیه را برای زندگی امروزمان بگیریم.

نکته دیگر این که ما نباید در مورد ترجمه قرآن کار را سخت بگیریم. شاید در کل قرآن حدود هزار لغت جدید برای ما فارسی‌زبانان وجود دارد که پانصد تا از آن‌ها هم برایمان آشنا هستند؛ مثل تقوی، صلاة و غیره. اگر ما این پانصد لغت را به دانش‌آموز یاد بدهیم، قرآن را می‌فهمد؛ یعنی باید طوری عمل کنیم که کم، کم بعد از چند سال قرآن را یاد بگیرد.

نکته دیگر خط قرآن است. خطی که ما الان در مدارس برای قرآن داریم، مناسب نیست و باید آن را اصلاح کنیم. وقتی حضرت آیت‌الله مکارم به من گفت این خط را اصلاح کن، داشتمم به مکه می‌رفتم. با بعضی از دوستان ام‌القراء در آن‌جا صحبت کردم که بیا باید خط را اصلاح کنیم. آن‌ها خیلی مقاومت کردند. ما فارس‌زبان‌ها و اردوزبان‌ها و خلاصه مسلمانان ایران، بنگلادش، پاکستان و هند هستیم که نیاز داریم قرآن به خط خودمان باشد. باید در مدارسمان این خط رو اصلاح کنیم. چرا دانش‌آموز باید «صلوة» را «صلاة» بخواند؟ خود عرب‌ها در روزنامه‌هایشان می‌نویسند «زکات» با الف. خب ما چرا در قرآن این‌گونه ننویسیم؟

خط قرآن یک خط توحیدی نیست که نوشته خدا، پیغمبر و امام باشد. این خط را باید ساده و حروفش را خوانا کنیم. اگر خط را فارسی کنیم، دانش‌آموز دوره ابتدایی هم از همان سال دوم قرآن را می‌خواند. چه لزومی دارد که ما از خط عربی استفاده کنیم؟ ما می‌توانیم از همان رسم‌الخط فارسی استفاده کنیم و حتی حروف ناخوانا را رنگی چاپ کنیم. اگر فارغ‌التحصیل دبیرستان آخرش هم از عهده روخوانی قرآن بر نمی‌آید، به دلیل همین رسم‌الخط است. یعنی خط آموزشی ما باید غیر از خط رسمی قرآن باشد.

نکته بعدی بحث انتخاب آیات است. ما تحقیقی را برای

«شورای انقلاب

فرهنگی» انجام دادیم با این موضوع که اگر خواهیم قرآن را برای اقشار گوناگون جامعه نهادینه کنیم، چه باید کنیم. دیدیم یکی از مشکلات این است که ما از همان ترجمه‌های که برای بازاریان استفاده می‌کنیم، برای کارمندان، نظامیان و متخصصان پزشکی هم استفاده می‌کنیم. همان ترجمه را در دبیرستان هم می‌خوانیم در صورتی که هر گروه صنفی و تخصصی ترجمه مخصوص خود را می‌خواهد. آقای رحماندوست در ترجمه قرآن کاری برای بچه‌ها کرده است که ما باید آن را گسترش بدهیم و همین کار را برای اقشار مختلف مخاطبان، حتی دانشجویان رشته‌های تخصصی انجام بدهیم، یعنی آیات هر گروه را با توجه به مسائل همان گروه انتخاب کنیم.

ببینید در آموزش و پرورش، بحث آموزش قرآن باید یک گروه متخصص مرکب از قرآن‌شناسان، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان تربیت بشینند و این کار را سامان بدهند. اگر من به سلیقه خودم کاری را انجام بدهم و شما به سلیقه خودتان، ممکن است نقاط قوتی داشته باشد، ولی اثربخش نیست.

نکته دیگر در آموزش قرآن بحث الهام‌بخشی قرآن در مباحث علمی است. یعنی ما باید فضای نظریه‌پردازی‌های علمی را براساس قرآن نظم بدهیم. قرآن خیلی جاها نکاتی را گفته است که می‌توانند ایمان را افزایش بدهند. قرآن در بعضی از فضاهای علمی حرف نو دارد. چه اشکال دارد که ما این موضوع را در ذهن دانش‌آموز جا بیندازیم تا بعد که بزرگ شد، به دنبال تحقیق و پژوهش و سفرهای فضایی برود و این‌گونه ایده‌های قرآنی را به اثبات برساند؟ چه اشکال دارد جابه‌جایی تخت بلقیس را از یمن در عرض یک ثانیه و یک چشم‌به‌هم‌زدن به فلسطین به‌عنوان یک ایده و یک الهام علم را به دانش‌آموزمان القا کنیم؟ یعنی همین‌طور که ما الان با تلفن همراه صدا را به آن طرف دنیا منتقل می‌کنیم، بشر می‌تواند تخت بلقیس را جابه‌جا کند. ما می‌توانیم این موضوع را به‌عنوان یک ایده قرآنی مطرح کنیم و کارمان را به تجزیه و ترکیب قرآن و لغات مشکل که دانش‌آموز را در پیچ و خم‌های عبارات گیر می‌اندازد، محدود نکنیم. آموزش قرآن را به طرف شیرینی قرآن متناسب با رشته‌های مخاطبان ببریم. اگر در این کار موفق شویم، یک تحول قرآنی به‌وجود می‌آید.

نکته آخر بحث ضرب‌المثل‌های قرآن است. ما باید کاری کنیم که دانش‌آموزانمان وقتی باهم حرف می‌زنند، همان‌طور که ضرب‌المثل‌های فارسی را به‌کار می‌برند، ضرب‌المثل‌های قرآنی را هم به‌کار ببرند. در این صورت، قرآن سر زبان مردم جامعه می‌افتد. مثلاً اگر دانش‌آموز دید که دو نفر باهم دعوا می‌کنند، بگوید: «انما المؤمنون اخوة»؛ یعنی در صورتی جامعه قرآنی می‌شود که قرآن را کاربردی کنیم.